



## Explaining the effective role of women in the formation of the Islamic Revolution and Sacred Defense

Umm al-Banin Arkani Fard <sup>1\*</sup>

1- Professor of the Seminary, (Level 4 in Arabic Literature with a focus on Rhetorical Translation), Al-Zahra School, Bojnourd, Iran

### Abstract:

Divine religions, especially the religion of Khatam, have devoted themselves most of all to the revival of the noble personality of women, and God Almighty has opened before them the best path for the happiness and salvation of mankind, both men and women. However, many truths remain hidden behind the clouds of ignorance and superstition, and the female community has not yet been able to benefit from the sweet fruits of religious culture as they should. For this reason, we sought to examine the role of women in contemporary Iranian political movements. Inspired by the Muslim women of history, Iranian Muslim women also took action during the revolution and its formation stages, and in all scenes, including marches and demonstrations against the government of the time, they moved step by step alongside their brothers in faith. With the beginning of the Islamic Revolution, the first major political movement was the imposed war of Iraq against Iran. Since it was considered a defensive war, women and children served alongside men in this holy war, including nursing, medicine, and services provided to the warriors behind the front lines. In this research, the library method was used, and in discussing the results of the research, it can be said that a woman can play a role at all stages of life: in childhood, as a daughter for the family, then as a wife for her husband and a mother for her children; and sometimes she also plays important political roles. We can point to two important trends in the Islamic Revolution of Iran, in which women played important roles in both stages.

### Review History:

Received: 23 May 2025  
Revised: 16 Jun 2025  
Accepted: 18 Jun 2025  
Available Online: 19 Jun 2025

### Keywords:

Woman  
Revolution  
Sacred Defense  
Islam.

### How To Cite This Article:

Arkani Fard, U. (2025). Explaining the effective role of women in the formation of the Islamic Revolution and Sacred Defense. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(4) 33-48  
(In Persian)



\*Corresponding author's email: [arkanifard4439@gmail.com](mailto:arkanifard4439@gmail.com)





## تبیین نقش موثر زن در شکل گیری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

ام البنین ارکانی فرد<sup>۱\*</sup>

۱- استاد سطح چهار رشته ادبیات عرب، حوزه علمیه مکتب الزهراء، بجنورد، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۲ خرداد ۱۴۰۴  
بازنگری: ۲۶ خرداد ۱۴۰۴  
پذیرش: ۲۸ خرداد ۱۴۰۴  
ارائه آنلاین: ۲۹ خرداد ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

زن  
انقلاب  
دفاع مقدس  
اسلام

ادیان الهی به‌ویژه دین خاتم، بیش از همه به احیای شخصیت والای زن همت گماشته‌اند و خداوند متعال بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد فراروی آنان گشوده است. ولی بسیاری از حقایق در پس ابرهای جهل و خرافه پنهان مانده و جامعه زنان هنوز نتوانسته‌اند آن‌چنان‌که باید از میوه‌های شیرین فرهنگ دینی بهره‌مند گردند. به همین علت درصدد برآمدیم نقش زن را در جریانات سیاسی ایران معاصر را ورق بزنیم. زن مسلمان ایرانی نیز با الهام گرفتن از زن‌های مسلمان تاریخ در جریان انقلاب و مراحل شکل‌گیری آن به جنب‌وجوش آمده و در تمام صحنه‌ها اعم از راهپیمایی‌ها و تظاهرات ضد دولت وقت، در کنار برادران ایمانی خود قدم‌به‌قدم حرکت کرد. با شروع جریان انقلاب اسلامی اولین جریان سیاسی عظیم جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران بود که چون جنگ تدافعی محسوب می‌شده زنان و کودکان نیز در کنار مردان در این جنگ مقدس به خدمت مشغول شدند اعم از پرستاری، پزشکی و خدماتی که برای رزمندگان در پشت جبهه انجام صورت می‌گرفت. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و در بحث نتایج تحقیق می‌توان گفت زن در همه مراحل زندگی می‌تواند نقش‌آفرین باشد در مراحل کودکی، دختری برای خانواده، بعد تشکیل خانواده همسری برای شوهرش و مادری برای فرزندانش؛ و گاه نقش‌های سیاسی مهمی نیز برای او رقم می‌خورد که می‌توان به دو جریان مهم در انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد که زنان در هر دو مرحله به‌خوبی نقش‌های مهمی را ایفا کردند.



برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Arkani Fard, U. (2025). Explaining the effective role of women in the formation of the Islamic Revolution and Sacred Defense. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(4) 33-48 (In Persian)

\* نویسنده عهدهار مکاتبات: arkanifard4439@gmail.com



## مقدمه

قبل از اسلام زنان نه تنها حق مالکیت نداشتند، بلکه همچون کالایی خرید و فروش می شدند و در کنار اموال میت به ارث برده می شدند، حتی در کشورهای غربی با آن همه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد، تا یک قرن قبل حق مالکیت برای زنان قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی - آن هم برای تشویق زنان برای حضور در کارخانه ها به عنوان نیروی کار ارزان قیمت - برای آنان حق مالکیت را به رسمیت شناختند.

اما یکی از عالی ترین برنامه های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری طلبی های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد، این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است.

اما با توجه به دیدگاه های منفی گروهی از شرق و غرب نسبت به مسئله اسلام و ایران و نقش زن در روابط سیاسی و اجتماعی او باید در این حوزه تحقیقاتی صورت گیرد که و با زبان های مختلف ترجمه شود تا به جهانیان فهمانده شود که زن ایرانی نقش مهمی را برای جامعه خود صورت می دهد.

به همین دلیل در این تحقیق نقش زنان را در مسئله شکل گیری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مورد بررسی قرار داده تا بتوانیم به سؤالات و توهّمات عده ای افراد دین زده پاسخ داده باشیم .

سؤالی که در این زمینه مطرح می شود این است که :

حضور زن در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تا چه اندازه ای بوده است ؟

در این تحقیق از نظرات معمار انقلاب امام خمینی (رحمه الله ) و رهبر معظم آیت الله خامنه ای بهره گرفته شده است تا بتوان به کمک نظرات ایشان مسئله حضور زن را در این دو جریان تبیین کرد و به مخاطب فهماند.

این تحقیق در سه فصل مجزا جمع آوری شده است . فصل اول به جایگاه زن در نظام اسلامی اشاره دارد . در فصل دوم نگاهی داریم به حضور زن در شکل گیری انقلاب اسلامی و در فصل سوم نقش زن را در دفاع مقدس به طور مختصر بررسی خواهیم کرد.

## جایگاه زن در نظام اسلامی

### اسلام چه تحولی در امر زن پدید آورد؟

سراسر دنیا زن را در شکنجه گاه ذلت و پستی زندانی کرده بود، بطوری که ضعف و ذلت، یک طبیعت ثانوی برای زن شده و گوشت و استخوانش با این طبیعت می روئید، و با این طبیعت به دنیا می آمد و می مرد، و کلمات زن و ضعف و خواری و پستی نه تنها در نظر مردان، بلکه در نظر خود زنان نیز مثل واژه های مترادف و چون انسان و بشر شده بود، با اینکه در معانی متفاوتی وضع شده بودند، و این خود امری عجیب است، که چگونه در اثر تلقین و شستشوی مغزی فهم آدمی واژگونه و معکوس می گردد، و تو خواننده عزیز اگر به فرهنگ محلی امت ها مراجعه کنی، هیچ امتی را نخواهی یافت، نه امت های وحشی و نه امت های متمدن که مثل هایی ساری و جاری در باره ضعف زنان و خواری آنان، در آن فرهنگ وجود نداشته باشد، بلکه به هر یک از این فرهنگ ها مراجعه کنی، خواهی دید که با همه اختلافاتی که در اصل زبان و سیاق ها و لحن های آن هست، انواعی از استفاده و کنایه و تشبیه مربوط به کلمه " زن " خواهی یافت، و خواهی دید که مرد ترسو و یا ضعیف و یا بی عرضه و یا خواری طلب و یا ذلت پذیر و یا تن به ذلت ده را زن می نامند و این به تنهایی برای اهل تحقیق کافی است که بفهمد جامعه بشری قبل از اسلام چه طرز تفکری در باره زن داشته است، و دیگر حاجت ندارد به اینکه سیره نویسان و کتب تاریخی فصل جداگانه و یا کتابی مختص به دادن آماری از عقائد امت ها و ملتها در مورد زنان نوشته باشند، برای اینکه خصال روحی و جهات وجودی هر امت و ملتی در لغت و آداب آن امت و ملت تجلی می کند ( طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲/ ۴۰۵ ).

و در هیچ تاریخ و نوشته ای قدیمی چیزی که حکایت از احترام و اعتنا بشان زن کند، نخواهی یافت، مگر مختصری در تورات و در وصایای عیسی بن مریم (ع) که باید به زنان مهربانی کرد و تسهیلاتی برای آنان فراهم نمود. و اما اسلام یعنی آن دینی که قرآن برای تاسیس آن نازل گردیده، در حق زن نظریه ای ابداع کرده که از روزی که جنس بشر پا به عرضه دنیا گذاشت

تا آن روز چنین طرز تفکری در مورد زن نداشت، اسلام در این نظریه خود، با تمام مردم جهان در افتاد، و زن را آن طور که هست و بر آن اساسی که آفریده شده، به جهان معرفی کرد، اساسی که به دست بشر منهدم شده و آثارش نیز محو گشته بود. اسلام عقائد و آراییی که مردم در باره زن داشتند و رفتاری که عملاً با زن می کردند را بی اعتبار نموده و خط بطلان بر آنها کشید (همان، ۴۰۶).

اسلام بیان می کند که زن نیز مانند مرد انسان است، و هر انسانی چه مرد و چه زن فردی است از انسان که در ماده و عنصر پیدایش او دو نفر انسان نر و ماده شرکت و دخالت داشته اند، و هیچ یک از این دو نفر بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوا، هم چنان که کتاب آسمانی خود می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ، وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). بطوری که ملاحظه می کنید قرآن کریم هر انسانی را موجودی گرفته شده و تالیف یافته از دو نفر انسان نر و ماده می داند، که هر دو بطور متساوی ماده وجود و تکیون او هستند، و انسان پدید آمده (چه مرد باشد و چه زن) مجموع ماده ای است که از آن دو فرد گرفته شده است.

### روی آورد تعالیم اسلام به رهبری زنان

در متون اسلامی به موردی از رهبری زنان در داستان ملکه سبا اشاره شده است. نحوه برخورد این زن با سلیمان (ع) نشان می دهد که رهبری موفقیت آمیزی داشته و عاقلانه تر از بسیاری از رهبران مرد رفتار می کرده است. از جمله این که در نخستین مواجهه با نامه حضرت سلیمان می گوید نامه پرارزشی برای من از سوی سلیمان (ع) فرستاده شده است. در مقابل، پادشاهان مردی مانند فرعون و نمرود، از نخستین برخورد همه توان خود را در تحقیر و مقابله با دعوت پیامبران الهی بکار برده اند. هم چنین در پاسخ به سران حکومتی، جمله ای دارد که نشانه درک و دوراندیشی او درباره جنگ بین حکومت هاست و برخی آن را یادآوری خداوند از عقل ملکه سبا می دانند. مورد دیگر که عقل و تدبیر ملکه سبا را نشان می دهد، جمله ای است که پس از ورود به قصر سلیمان (ع) می گوید: «پروردگارا من به خود ستم کردم و اینک با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم» (نمل/۴۴). این در حالی است که فرعون با دیدن معجزات حضرت موسی (ع)، باز خود را خدای بزرگ قوم خویش می داند. از آیات مربوط به این قضیه می توان استنباط کرد که رهبری این زن به شیوه مشورت و مشارکت دادن زیردستان بوده است (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۷۶).

باوجود این، در بین صاحب نظران اسلامی درباره رهبری زنان تردیدهایی جدی وجود دارد؛ هرچند برخی رهبری زنان را در چارچوب ویژه ای پذیرفته اند. اگر رهبری کلان جامعه به صورت ریاست دولت باشد و رهبر مطابق قوانین مصوب مؤسسات مشورتی حکومت عمل کند، دلیلی برای نپذیرفتن رهبری زنان در این سطح وجود ندارد و همه شواهد و ادله ای که مخالفان رهبری زنان از متون دینی استنباط کرده اند، ویژه حالتی است که زن در رهبری کاملاً مطابق نظر و تصمیم خود عمل کند. اگر رهبری زن به صورت مشورتی و تصمیم گیری به نحو توزیعی باشد، و او در چارچوب نظارت دیگران عمل کند، دلیلی بر نفی توانایی زنان در این گونه مسئولیت ها نیست.

بحث رهبری زنان در آثار علمی فقهای شیعه مطرح نشده، ولی به نظر می رسد فقهای اهل سنت بدون اختلاف، شرط رهبری را مرد بودن می دانند. در مورد نفی رهبری زنان آیاتی از قرآن و کلمات پیامبر (ص) و ائمه (ع) مورد استناد قرار گرفته است که از جمله آنها رستگار نشدن مردمی است که رهبرشان زن است (بخاری، ۱۳۹۱: ۹۰/۳). عبارات دیگری از اولیای دین (ع) در آن ها به ضعف برخی توانایی های زنان اشاره شده (نهج البلاغه، خطبه ۸۰)، یا مشورت نکردن با زنان در رهبری (همان، حکمت ۱۰۲) و غیر آن و حتی مخالفت با آرای آن ها مورد تأکید قرار گرفته است، شواهد دیگری بر نپذیرفتن رهبری زنان از سوی صاحب نظران اسلامی است. هرچند هریک از شواهد فوق، مورد تردیدهایی قرار گرفته است ولی مجموع سبب شده است که رهبری زنان در دیدگاه دانشمندان مسلمان امری نامطلوب شمرده شود (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۲۷۶-۲۷۷).

### نقش بانوان در تاریخ معاصر ایران

در فاصله این چند سال تحولی شگرف در زندگی ما ایرانیان پدید آمد، انقلابی عظیم و خیره کننده رخ داد که چشم جهانیان را خیره کرد، همه را به اعجاب و تحسین واداشت، کشور ایران وارد مرحله نوینی از تاریخ خود شد، رژیم کهن شاهنشاهی را به

دور افکند و دست‌اندرکار تحقق بخشیدن نظامی اسلامی است و سر آن دارد حوزه وسیع منطقه اسلامی را که صدها میلیون مسلمان را دربرگرفته است به راه خود بکشاند و جهان سومی به نام «جهان اسلامی» بیافریند (مطهری، بی تا: ۹/۳۶۹).

اکنون ضرورت ایجاد می‌کند که وضع و موقع زن در این چند سال و در جریان این انقلاب عظیم اسلامی مورد بررسی قرار گیرد که بانوان در این انقلاب چه سهم و نقشی داشته‌اند و چه عواملی موجب گشت که بانوان در این مقطع تاریخی بی‌نظیر سهم عمده‌ای به خود اختصاص دهند.

انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی دارد که در مجموع خود آن را در میان همه انقلابات جهان بی‌نظیر و بی‌رقیب ساخته است. یکی از آن ویژگی‌ها ذی سهم بودن بانوان است.

بانوان سهم بزرگی از انقلاب را به خود اختصاص دادند و این حقیقتی است که جملگی بر آنند. رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ایران بارها با تکریم و تحسین از نقش فعال بانوان یاد کرده‌اند و احیاناً سهم آنان را عظیم‌تر از سهم مردان شمرده‌اند. رهبر انقلاب اسلامی ایران با تیزبینی و تیزهوشی خاص خود دریافته بودند که انقلاب اسلامی ایران بدون شرکت بانوان به ثمر نخواهد رسید، از این رو شرکت آنان را در مراسم انقلابی واجب و لازم شمردند و حتی موافقت پدر یا شوهر را لازم ندانستند.

بانوان با ایمان ما پس از آنکه از فرمان رهبر آگاه شدند، با حفظ اصول و موازین اسلامی از هیچ گونه فداکاری در راه به ثمر رساندن انقلاب خودداری نکردند، پا به پای مردان راه‌پیمایی کردند، شعار دادند، در تظاهرات شرکت کردند، شهید دادند، زندان رفتند، شکنجه کشیدند، آواره خانه و خانواده شدند، دربه‌دوری کشیدند، محرومیت‌ها متحمل شدند.

به نظر می‌رسد اینچنین نقش تاریخی برای زن در جهان بی‌سابقه است. در تاریخ اسلام خودمان، تنها در صدر اسلام است که می‌بینیم بانوان نقش مؤثری از نظر سیاسی یا نظامی یا فرهنگی ایفا کرده‌اند. در دوره‌های متأخر تدریجاً این نقش ضعیف شده و احیاناً به صفر رسیده است و همین جهت ایجاد می‌کند که تحقیق کنیم چه عواملی موجب گشت که زن بار دیگر در صحنه تاریخ ظاهر شود و تاریخ را از «مذکر» بودن محض خارج کند و آن را «مذنث» (مذکر مؤنث) نماید؟.

پیش از آنکه وارد این بحث شویم یادآوری این نکته ضروری است که منظور ما از نقش داشتن و نقش نداشتن زن در تاریخ، نقش مستقیم و ظاهر شدن زن در صحنه تاریخ است، اما نقش غیر مستقیم و پشت جبهه و صحنه را زن همواره برای خود محفوظ داشته است (همان، ۳۷۰/۱۹).

زنان در طول تاریخ تنها مولد و زاینده مردان و پرورش دهنده جسم آنها نبوده‌اند، بلکه الهام‌بخش و نیرودهنده و مکمل مردانگی آنها بوده‌اند. زنان از پشت صحنه و از پشت جبهه جنگ همواره به مردان مردانگی می‌بخشیده‌اند. ما در بسیاری از اشعار حماسی عربی و فارسی می‌بینیم که دلیران و دلاوران در حماسه‌های خود زنان را مخاطب قرار داده و از مردانگی و شجاعت و دلاوری خود داد سخن داده‌اند، گویی مرد آگاهانه و یا ناآگاهانه از همه دلیریها و دلاوریهای خود رضایت و تحسین و جلب رضایت زن را منظور می‌داشته است. اگر فرصتی دست دهد و قطعات ادبی نظم و نثر که در این زمینه انشاء شده یکجا گرد آید یک فراز جالب و قابل مطالعه‌ای از نظر جامعه‌شناسی فراهم می‌گردد. اینکه می‌گویند زن آفریننده عشق است و عشق آفریننده مرد و مرد آفریننده تاریخ، ناظر به نقش غیر مستقیم زن در سازندگی تاریخ است.

زن نقش سازندگی غیر مستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه جنسی خویش یعنی حیا و عفاف و تقوا و دور باش زنانه خویش است. آنجا که زن دورباش حیا و عفاف را حفظ نکرده و خود را به ابتذال کشانده این نقش تاریخی را از دست داده است. به حق در مورد حیا و عفاف زن گفته شده است:

«حیا پاداشهای خود را پس‌لنداز می‌کند و در نتیجه نیرو و شجاعت مرد را بالا می‌برد و او را به اقدامات مهم وامی‌دارد، قوایی را که در زیر سطح آرام حیات ما ذخیره شده است بیرون می‌ریزد.» (دورانت، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

از این رو گویی نوعی تضاد و تعارض میان این دو نقش وجود دارد: یا نقش غیر مستقیم و از صحنه بیرون بودن و یا نقش مستقیم و پشت جبهه را رها کردن و نقش غیر مستقیم نداشتن. اما درحقیقت تضاد و تعارض غیر قابل جمعی در کار نیست. یک راه باریک و ظریف وجود دارد که زن اگر از آن راه برود هر دو نقش را در آن واحد می‌تواند ایفا کند. آن راه باریک و ظریف همان است که بانوان ما در ده ساله اخیر طی کردند. ویژگی دخالت زن در انقلاب اسلامی ایران در این است که زن مسلمان ایرانی در عین اینکه در صحنه تاریخ ظاهر شد و مستقیماً در کار سازندگی تاریخ با مرد شرکت کرد، پشت جبهه را رها نکرد،

حیا و عفاف و پوشش لازم را از کف نداد، دور باش خویش و کرامت و عزت زنانه خویش را محفوظ داشت و خویشتن را مانند زن غربی و زن مدل پهلوی به ابتذال نکشانید.

زنان از نظر نقش تاریخی، دوره‌های سه‌گانه‌ای را طی کرده‌اند. در برخی دوره‌ها و بر اساس برخی طرز تفکرها دخلت مستقیم زن در ساختن تاریخ منفی است. در این دوره‌ها زن جز در اندرون خانه کاری ندارد و نمی‌تواند داشته باشد و صرفاً یک کالای اندرونی است. طبعاً در چنین شرایطی هیچ‌یک از استعدادهای انسانی‌اش یعنی تفکر، آگاهی، بیداری، آزادی، اراده و اختیار و انتخاب، هنر و خلاقیت و ابداع و حتی عبادت و سلوک عارفانه‌ی الهی رشد لازم را طی نمی‌کند. در این گونه جوامع در حکم یک وسیله و ابزار زندگی خانوادگی است، یک «شیء» است و به حکم اینکه محیط زندگی زن محدود است به درون خانواده و در بازار به اصطلاح آزاد دسترسی به او میسر نیست، برای مرد عزیز و گران‌بهاست. از این رو زن در چنین دوره‌ها و چنین محیط‌ها یک «شیء گران‌بها» است مانند هر شیء نفیس و گران‌بهای دیگر از قبیل برلیان و الماس و غیره. در این گونه دوره‌ها تاریخ طبعاً «مذکر» است، زنان نقش مستقیم و محسوس و ملموس در ساختن تاریخ ندارند. اگر ما به تاریخ گذشته پیش از نیم قرن اخیر خودمان برویم عیناً همین وضع را می‌بینیم، می‌بینیم زن وجود دارد اما به صورت یک «شیء عزیز و نفیس و گران‌بها» و معمولاً بی‌دخال در تاریخ و حوادث تاریخی.

در برخی جوامع زن خانه را رها کرده و وارد اجتماع شده است، در شئون علمی، هنری، فکری، سیاسی شریک مرد شده است و به صورت «شخص» درآمدی است، اما نظر به اینکه مدار خویش را به کلی رها کرده و حریم را به کنار زده و خود را رایگان در دسترس مرد قرار داده و در اماکن عمومی، کاباره‌ها، دانسینگ‌ها، حاشیه خیابانها حضور و آمادگی خود را اعلام داشته است، ارزش و بهای خود را از دست داده است

در این جوامع زن شخص است اما «شخص بی‌بها». در این گونه جوامع زن حضور خود را در صحنه تاریخ ثابت کرده درحالی‌که پشت جبهه را رها کرده است، نقش مستقیم خود را در سازندگی تاریخ به کف آورده اما نقش غیر مستقیم را که از آن کمتر نیست از کف داده است.

آنجا که زن نقش غیر مستقیم خود را از دست می‌دهد، هم خود را تباه می‌سازد و هم مرد را. زن «مدل پهلوی» که نزدیک چهل سال قشر عظیمی از جامعه زن ایرانی را تشکیل می‌داد از این نوع بود ... (مطهری، بی تا، ۳۷۱/۹=۳۷۳).

فصل دوم: نقش زن در شکل‌گیری انقلاب اسلامی

### مفهوم انقلاب اسلامی

انقلاب راستین و حقیقی تنها جابجا شدن زمام داران و افرادی جای افرادی را گرفتن و خلع‌اندانی از کلاه بیرون رفتن و خاندانی دیگر بدان داخل شدن و سلسله‌ای منقرض گشتن و سلسله‌ای دیگر آغاز بکار کردن، نیست. و نیز انقلاب، تنها شکل حکومت و قالب و چهارچوب رژیم حاکم عوض شدن نیست، بلکه علاوه بر تغییر چهره‌ها و شکل و قالب‌ها که البته در هر انقلابی امریست ضروری باید از بن و ریشه و اساس، دگرگونی بنیادی و همه جانبه‌ای در باطن و دل اجتماع صورت گیرد، باید معیارها و مقیاس‌های سابق، و ارزشها و امتیازات ناشی از آنها لغو گردد و از نو معیارهای انسانی تر با امتیازات و ارزشهای راستین و عادلانه تر بر اساس ایده‌ی ثلوثی خاص انقلاب، طرح ریزی و بر جامعه حکم فرما شود. اینست معنی راستین «انقلاب».

و اما «اسلام» همان مکتب آسمانی است که چهارده قرن پیش از این، برای نجات انسانها با نهادها و معیارها و ارزشها و قوانین الهی، و با ایده‌ی ثلوثی توحیدی، جهت بیرون آوردن بهترین امت از دل تاریخ، «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» و تشکیل جامعه بدون طبقه توحیدی «طبقات معروف در جوامع غیر اسلامی» پدید آمد و گرچه غالباً از شکل و محتوای اسلام، اجمالاً با خبر هستیم. اما به لحاظ عوامل و تحولات سیاسی و اجتماعی و دخل و تصرفها و اجتهادهای شخصی و بدآموزیها و صدها علل و عوامل شناخته شده و یا ناشناخته، حقیقت آن، از دید و اندیشه اکثر ما مسلمانان پنهان مانده است چه برسد به دیگران که بقول سید جمال الدین اسدآبادی از لای انگشتهای مسلمین به اسلام می‌نگرند و اسلام را از چهره مسلمین می‌شناسند در حالی که بگفته همین شخص اسلام، مستور و محجوب است به وسیله همین مسلمین «الاسلام محجوب بالمسلمین» و بزرگترین خدمت به اسلام از دید این فیلسوف، آنست که مسلمین خود را از اسلام مبری بدانند!!!

به همین لحاظ، نهاد و باطن اسلام، نیاز به کاوش و بحث فراوان دارد و چون دریائی است ژرف که هر چه در آن فرو رویم به قعر آن نمی رسیم. و اینست رمز خاتمیت و سرّ جاودانی بودن این مکتب آسمانی.

پس انقلاب اسلامی یعنی دگرگونی و تحول راستین در قلب و قالب اجتماع و نظام اجتماعی و سیاسی، براساس معیارها و ایده ثلوثی توحیدی که چون باران رحمت، پاک و دست نخورده از آسمان وحی الهی نازل گردید یعنی بازگشت به اسلام راستین و بقول یک نویسنده عرب «الی الاسلام من جدید»: از نو بسوی اسلام، اسلام محمد و علی و فاطمه و زینب و حسین و ابودر و سلمان و نه اسلام دست خورده و تحریف یافته، اسلامی که رنگ طاغوتی بخود گرفته و محتوای انسانی و توحیدی و خلق و خالق خود را از دست داده: اسلام معاویه ها، یزیدها، حجاجها و همه طاغوتها که یکی پس از دیگری و سلسله ای پس از سلسله دیگر، آن را ملعبه قرار دادند و بنام «اسلام پناه» و با دعای خیر «وعاظ السلاطین»: «خلدا لله ملکه» بعنوان خلافت، سلطنت، شاهی، شاهنشاهی، امامت، شیخی، امارت، حکومت، خانی، اتابکی، یا سایر عناوین، بر مردم فرمانروائی کردند و اسلام را در خدمت خود آوردند و نه این که آنان در خدمت اسلام باشند. و تفاوت از موی باریکتر اسلام راستین و اسلام طاغوتی در همین نکته است.

اینجاست که وظیفه ما پس از انقلاب، بسیار سنگین و دشوار می نماید:

۱- شناخت انقلاب اسلامی، یا اسلام انقلابی با همه معیارها، معارف، موازین و ابعادش، چنان که هست.

۲- پیاده کردن دقیق و درست آن، چنان که باید باشد (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۸: ۲۸-۳۰).

### نقش زن در جامعه قبل از انقلاب اسلامی

تا اواخر دهه چهل، دو گفتمان رقیب حاضر در زمینه فرهنگی و سیاسی زن را بسان سوژه ای تعیین یافته، مبتنی بر جسمانیتهش موضوع اعمال قدرت سیاسی و مذهبی بر می ساختند. گفتمان سنتی حضور و نمایش تن زن را در عرصه عمومی به معنای رواج فساد و انحطاط اخلاقی و دینی جامعه می دانست و بر پوشیدگی و غیبت آن از عرصه عمومی حکم می کرد. در مقابل، گفتمان مدرن تن زن را در پیوند با دال ترقی و تمدن مفصل بندی کرده بود و حضور و نمایش آن را نماد آزادی، برابری و رفع تبعیض از وی در جامعه مترقی تعبیر می کرد. لیکن به موازات تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمینه و گسستگی مفصل بندی های هر یک به واسطه اثر بخشی استراتژی های واسازانه رقیب، زمینه مساعدی برای جذب دال های رها شده در فضای گفتمان گونگی حول دال برتری فراهم شد که واژگونی نظام استبدادی و تأسیس حکومت اسلامی دو رویه آن بود. در چنین شرایطی زن نه بسان سوژه ای منحل در ساختارهای گفتمانی مسلط، بلکه در مقام آفرینشگری خلاق و آزاد، مسئول و متعهد، به عرصه مبارزه فراخوانده می شود، بی آنکه ویژگی های جسمی و زیستی او در مقابل مرد برجسته شود (نیکخواه قمصری؛ هلالی ستوده، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

### مشارکت سیاسی زنان

اسلام، زنان را از شرکت در فعالیت های دینی، سیاسی و علمی و فرهنگی منع نمی کند. بلکه بارعایت حجاب و حدود اسلامی آن را تشویق نیز می کند. زنان باید مراقب فساد باشند که دشمن ترویج می کند. با این وصف در میدان های مختلف شرکت کنند (بانکی پور فرد، بی تا: ۳۲).

در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله، دین و سیاست مجموعه ای به هم پیوسته و تفکیک ناپذیر است. بنابراین، دخالت در امر سیاست برای مسلمانان ضرورتی دینی شمرده می شود. بر این اساس، بر زنان نیز تکلیف است در صحنه های سیاسی همواره حضوری فعال داشته باشند. امام خمینی رحمه الله از بانوان ایران می خواهد همان گونه که فعالانه در مبارزه های ضد رژیم شرکت داشته اند، در دوران تثبیت و توسعه سیاسی نظام اسلامی نیز به فعالیت های سیاسی خود به صورت گسترده ادامه دهند و می فرماید: امور سیاسی، مخصوص یک طبقه نیست...، زن ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردها باشند (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۸/۴۰۳).

فهم درست از مشکلات پیچیده سیاسی کشور و کارشکنی های دشمنان در راه اهداف نظام اسلامی، آشنایی کامل با وضعیت سیاسی داخلی، منطقه ای و بین المللی و بالا رفتن سطح دانش دینی، از مهم ترین ویژگی های جامعه زنان ایرانی است که همواره امام آن را تصدیق می کرد و می فرمود:

بحمدالله، مشغول فعالیت دینی هستید و بینش سیاسی هم در بین شماها هست. در بین بانوان ایران، هم بینش دینی هست، هم بینش سیاسی (همان، ۱۷/ ۳۶۱).

پیش تازی زنان در عرصه های سیاسی - اجتماعی، پیشینه تاریخی دارد. برای مثال، زنان در نهضت تنباکو و جنبش مشروطیت نقش ارزنده ای در موج آفرینی و گسترش قیام ها داشتند. از دیدگاه امام، برتری و پیش گامی زنان، زمانی و مکانی نیست، بلکه ارزشی و معنوی است که با توجه به جایگاه زنان در جامعه و نقش آفرینی آنان گزارش و تحلیل شده است (جوهری، ۱۳۸۷: ۹۱-۹۲).

حضور و تأثیر بانوان در صحنه ها و عرصه های گوناگون جنگ، حوادث سیاسی، تظاهرات، میدانهای علم و سازندگی نشان دهنده ی روند دائمی رو به افزایش حضور و فعالیت اجتماعی زنان در ایران است. مسابقه ی حضور زنان، با انگیزه ی اسلامی در صحنه های مختلف جامعه ی ایران به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بر می گردد (بانکی پور فرد، بی تا: ۳۲).

در کشور ما زن ها تعیین کننده هستند و در هیچ یک از مسائل مهم کشور ما نیست که زن حضور نداشته باشد. در هیچ یک از مسائل مهم کشور ما نیست که زن حضور نداشته باشد. در هیچ یک از مسائل مهم کشور ما نیست که زن حضور نداشته باشد. اگر زن ها با انقلاب نبودند، انقلاب اصلاً پیروز نمی شد. اگر زن ها نبودند، این مراسم عظیم با این شکوه به وجود نمی آمد و اصلاً پنجاه درصد انقلاب ما رهین منت زن ها است، ما برای زن ها ارزش قائل هستیم. ما اگر زن در مجلسی باشد می رویم. توی مجلس شورای اسلامی ما، زن هست. در مجامع اسلامی ما زن هست. در نماز جمعه ی ما زن هست، در مساجد ما زن هست، ما با حضور زن در هیچ کجا مخالف نیستیم. ما با پوشش نامناسب زن مخالف هستیم. ما با وضع معاشرت نادرست زن مخالفت هستیم. آنجایی که زن و مرد قرار است بروند و مشروبخواری کنند، البته ما شرکت نمی کنیم (همان، ۳۳).

### نگاه امام خمینی به نهضت زنان در انقلاب اسلامی ایران

یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی که به درستی به آن پرداخته نشده نقش بانوان در آن است. این نقش مؤثر، خود متأثر از نگاه اجتهادی و اجتماعی امام به این مقوله است. وقتی از نظر اجتهادی امام سخن گفته می شود، باید دانست در دوره ی پهلوی اول، چه مصائبی بر سر زنان آمد و هویت زن مسلمان چه گونه لگدمال شد و در دوره ی خودفروختگی پهلوی دوم چگونه زن، عروسک امیال حکومت غرب گرا شد. حضرت امام که خود شاهد هر دو دوره بود، روحانیت و بانوان را بیش تر از همه مورد ستم حکومت ستم شاهی می دانست؛ یعنی همان دو قشری که بیش ترین نقش را در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند. امام می فرماید: «دو طایفه را در آن وقت از همه بیش تر بهشان ظلم کردند: یکی بانوان بود، که با این اسم آن قدر ظلم کردند، و یکی هم روحانیون بود. این دو طایفه را شاید در زمان رضاشاه بیش تر از سایر مردم بهشان تعدی کردند.» (خمینی، ۱۳۸۹: ۸/ ۳۵۴).

امام خمینی کشف حجاب در دوره ی رضاخان و ترویج آزادی غربی در دوره ی محمدرضا پهلوی را که حتی مردان هم از آزادی واقعی برخوردار نبودند، بارها یادآوری می کنند تا نقش زنان در پیروزی شکوه مند انقلاب اسلامی را روشن سازند. «در رژیم طاغوتی پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد، به مردها آن ظلم نشد. بانوانی که مقید بودند به این که بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است زی خودشان را قرار بدهند، در آن رژیم در زمان رضاشاه به وضعی و در زمان محمدرضا به وضع دیگر.» (همان، ۱۸/ ۴۰۲).

حکومت پهلوی در اقتدا به آرمان شهر غرب، بی آن که خود به مبانی دموکراسی پای بند باشد و از استبداد و پادشاهی دست بردارد، به فکر افتاد پای زنان را به عرصه های اجتماعی بگشاید! عملی که با مخالفت علمای دین مواجه شد. امام در این باره می فرماید: «موضوع حق رأی دادن زنان و غیره در درجه ی آخر اهمیت قرار دارد... اکنون که در ایران حق آزادی از ما سلب شده، به فکر زن ها افتاده اند! در حال حاضر آزادی قلم، بیان، افکار و حتی حق حیات از مردم سلب گردیده است.» (همان، ۱/ ۱۹۱) هم چنین طی سخنانی در مخالفت با اصلاحات شاهنشاهی می فرماید: «چه می گوئید شماها؟ مگر با الفاظ

می شود؟ مگر با چهار تا زن فرستادن [به] مجلس، ترقی حاصل می شود؟ مگر مردها که تا حالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زن های تان ترقی [درست کنند]؟ ما می گوئیم این ها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست... ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم مگر مردها آزادند که زن ها می خواهند آزاد باشند؟» (همان، ۳۰۵/۱)

امام خمینی به خوبی به ارزش زن در مکتب اسلام، واقف بودند و از این نیروی قوی در جامعه خبر داشتند. در نگاه امام، حضور زنان در انقلاب اثری برابر مردان داشت: «در نهضتی که مسلمین کردند، ملت ما کردند، همه تان ملاحظه کردید که زن ها پیش قدم بودند. بلکه فعالیت زن ها در این باب ارزش اش بیش تر از فعالیت مردها بود؛ برای این که همین خواهرها که ریختند در خیابان ها و در مقابل توپ و تانک تظاهر کردند و مشتش گره کردند، این ها مردها را، قدرت شان را دو چندان کرد. وقتی مردها ببینند که خانم ها آمدند در مقابل توپ و تانک، آن ها بیش تر اقدام می کنند. و ما دیدیم که این خواهرها در این نهضت یک سهم بسیار بزرگ داشتند.» (همان، ۱۸۴/۱۰) «شما خواهران در این نهضت سهم به سزایی داشتید؛ و در همه جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها؛ و موجب قدرت شدید نسبت به آن ها. از این جهت هم تشکر می کنم» (همان، ۲۶۷/۱۰) «نقش زن ها در جامعه، در چند نهضت که در ایران واقع شد، نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، قضیه ی پانزده خرداد، نقش زن ها بالاتر از مردها اگر نبود، کم تر نبود. آنان در میدان ها حاضر شدند و به واسطه ی حضور آن ها در میدان ها، مردها اگر قوت شان کم بود، زیاد شد، و اگر قوی بودند دو چندان شد. و آنچه که خود شما شاهد بودید در این نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی حاضر است، در این انقلاب اسلامی نقش شما بانوان از نقش مردها بالاتر بود.» (همان، ۴۰۳/۱۸)

امام خمینی دیدارهای ویژه با گروه های گوناگون بانوان انقلابی داشتند. در این دیدارها ابعاد مختلف زندگی یک زن انقلابی ترسیم شده است. برای رسم منشور بانوی مسلمان و انقلابی، باید مجموعه ی این بیانات را رصد کرد. آنچه در پی می آید سرفصل هایی از نظرات حضرت روح الله است که در طول سالیان پس از انقلاب، بیان شده است.

حق رأی زن و آزادی: «زنان هم چون مردان در ساختن جامعه ی اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی راجه زن خواهیم داد. البته جلوی فساد را می گیریم و در این مورد دیگر بین زن و مرد فرقی نیست.» (همان، ۵۲۰/۵)

زنان و جهاد اقتصادی: «زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده هم دوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کرده اند و هم مجاهدات مالی. این طبقه ی محترم زن ها که در جنوب تهران و در شهر قم و در سایر شهرها هستند، همین خانم های محجبه، همین ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیش قدم بودند و در ایثار مال هم پیش قدم. ایثار کردند جواهرات و طلاهایی که دارند، برای مستضعفین، عمده در این امور آن قصد پاک است... خواهرهای ما که در عصر نهضت شرکت داشتند ارزش اعمال آن ها بیش تر بود از ارزش اعمال مردها، آن ها با پرده های عفاف بیرون آمدند و با پرده ی عفاف با مردان هم صدا شدند و پیروزی را تحصیل کردند و حالا هم با قصد خالص آنچه که در ایام عمر تهیه کردند برای مستمندان دادند.» (همان، ۳۴۲/۷)

شجاعت زن انقلابی: «شما خواهران و برادران با هم، هم صدا و با مشتهای گره کرده در مقابل قدرت های شیطانی ایستاده اید. معجزه ی اسلام است، این قدرت اسلام است که در شما تجلی کرده است. این قوت ایمان است که شما را بر این مبارزه پیروز کرد. این معجزه است که با شهید شدن یک عزیز، موج در تمام دنیا بلند می شود. این معجزه است که خانم ها را در مقابل تانک و توپ، در مقابل مسلسل ها، در مقابل توپ ها و تانک ها برقرار کرد و از هیچ چیز نهراسیدید. این نور قرآن و اسلام است که در دل های شما و در قلوب همه ی ملت ایران جلوه کرده است. این نور ایمان است که شما خانمها هم از شهادت نمی هراسید.» (همان، ۱۹۲/۷)

زن انقلابی، تربیت انقلابی، نسل انقلابی: «خواهران من، کوشش کنید که فرزندان خودتان را خوب تربیت کنید؛ کوشش کنید که فرزندان خودتان را با ایمان و با اراده تربیت کنید؛ کوشش کنید که فرزندان را تحویل جامعه بدهید که برای اسلام مفید باشند. فرزندان، از مادران بیش تر حرف را قبول می کنند؛ دل بستگی فرزندان به مادران از هر کس دیگر بیش تر است؛ شما بهتر می توانید بچه ها را تربیت کنید. بچه هایی که الآن در دامن شما هستند فردا در جامعه هستند؛ مقررات مملکت ممکن

است به دست آن ها باشد؛ اگر شما آن ها را اسلامی، مؤمن، متقی بار بیاورید ممکن است کشور شما را نجات بدهند.» (همان، ۱۱۷/۸).

«نقشه این بود که این بانوان را از آن مقام اصیل بزرگی که دارند کنار بزنند و به خیال خودشان نیمی از این جمعیت ایران را آزاد کنند! دیدید که چه جور «آزاد» کردند... خواستند نتیجه بگیرند که کار اصیل را از دست این ها بگیرند [تا] تربیت اولاد را این ها نتوانند بکنند. این ها اگر وارد بشوند در شغل های مثلاً دیگر، شغل های غیراساسی، نمی توانند به طور اصالت رفتار کنند.» (همان، ۳۳۳/۷).

زن و آزادی های پس از انقلاب: «آزادی که... حالا دارند یک آزادی است که نافع برای کشور خودشان، برای اسلام، برای مسلمین، برای ملت خودشان، است. یعنی این ها آزادند که در اجتماعات داخل بشوند، داخل هم شدند و می بینید، آزادند که خدمت کنند به مملکت، خدمت کردند و می کنند، و دارید می بینید. آزادند که در مصالح مملکت حرف بزنند؛ اشکال بکنند به دولت؛ اشکال بکنند به مقامات دولتی و غیردولتی... سابق هم فعالیتی که زن ها داشتند... قضیه ی «تنباکو» و «مشروطیت». .. زن ها جلو می افتادند و همراه با مردها و مسائلی را که مربوط به مملکت خودشان بود می گفتند و فریاد می زدند و انجام می دادند مسائل شان را.» (همان، ۱۸۶/۱۰).

زن انقلابی و ترک نکردن صحنه: «ای خواهرهایی که جوان های خودتان را از دست دادید و خودتان هم در بین مردم تظاهر کردید و الله اکبر گفتید! حفظ کنید خودتان را. نهضت خودتان را حفظ کنید. ننشینید دیگران برای شما کار بکنند. این ها برای شما کار نمی کنند. همان طور که اجانب کار نمی کنند، این ها هم کار نمی کنند.» (همان، ۴۰۲/۱۰).

زن انقلابی و آموزش نظامی: «ملت عزیز ما آن روز که جز مشیت خالی و خون پاک هیچ نداشت، بر قدرت های عظیم شیطانی با فریاد «الله اکبر» غلبه کرد؛ و امروز بحمدالله تعالی جوانان رزمنده از خواهران و برادران دارد که با تعلیمات نظامی در سرتاسر کشور قدرت تفکر را از دشمنان ایران و اسلام سلب و با اعتماد به قدرت الهی و فداکاری در راه اسلام بر همه ی مشکلات و همه ی قدرت های شیطانی غلبه خواهد کرد.» (همان، ۱۸۸/۱۳).

خانم پرستار انقلابی: «سفارش من، از همه ی... پرستاران سرتاسر کشور، خصوصاً در جاهایی که جنگ زده هستند و در جاهایی که در معرض خطر هستند، این است که با تمام قوا کوشش کنید که اعمال شما اعمال اسلامی باشد و رفتار شما با مَرْضی رفتار خوب و رفتار انسانی- اسلامی باشد. خداوند تبارک و تعالی به شماها برادران و خواهران اجر عنایت کند و اجر آن زن هایی که در صدر اسلام برای پرستاری لشکر اسلام می رفتند ان شاءالله، در نامه ی اعمال شما هم نوشته بشود.» (همان، ۴۱۳/۱۴).

شهیدپروان مکتب قرآن: «در کجا، در لابه لای تاریخ، چون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیش قدم می شوند. این مکتب قرآن و اسلام راستین است؛ و اینان فرزندان این قرآن و این مکتب و آن صاحب مکتب مان سلام و تحیات خدا و رسولانش بر این مادران و پدران و این فرزندان عالی مقام. و درود بر این جانبازان و از هر چیز در راه هدف گذشتگان باد.» (همان، ۳۳۳/۱۸).

زن انقلابی، پیشرو علم و صنعت: «خانم ها هم دوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب علم و ان شاءالله صنعت، فعالیت می کنند. آن وقت می گفتند که نیمی از جمعیت ایران که در پرده هستند دیگر کاری ازشان نمی آید. نه این که می خواستند کاری ازشان بیاید، برای این که مردها را هم آن ها محروم کردند از کارهای فعال، بلکه می خواستند که این ها را وارد کنند در جامعه به آن ترتیبی که خود آن ها و رفقا و همراهان آن ها بودند و به فساد بکشند جامعه را. و خداوند خواست که موفق نشدند. و شما بانوان امروز موجب افتخار هستید که همان طوری که برادران شما در حوزه ها مشغول تحصیل و تدریس و سایر کارهای اسلامی هستند، شماها هم با آن ها هستید و امیدوارم فعال تر باشید.» (همان، ۱۸/۴۰۲).

زن انقلابی و انتخابات: «شما باید در همه ی صحنه ها و میدان ها آن قدری که اسلام اجازه داده وارد باشید. مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام بگیرد و صحبت روز است در ایران، خانم ها همان طوری که مردها فعالیت می کنند برای انتخابات، خانم ها هم باید فعالیت بکنند برای این که فرقی ما بین شما و دیگران در سرنوشت تان نیست. سرنوشت ایران، سرنوشت همه است. یعنی آن قدری که اسلام خدمت به شما کرد، به مردها آن قدر خدمت نکرد. اسلام، شما را حفظ کرد و

شما متقابلاً اسلام را حفظ نکنید... بدانید که انتخابات از اموری است که در سرنوشت شما و در سرنوشت ما نقش مهم دارد، و بالاترین نقش است... و لهذا باید شما خانم ها یک نقش بسیار فعال داشته باشید.. باید همه ی شما در این امر نظر داشته باشید، در امور سیاسی نظر داشته باشید. برای این که امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همان طوری که علم مخصوص یک طبقه نیست. همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه ی خودشان را حفظ کنند، زن ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است... من از خدای تبارک و تعالی، توفیق شما بانوان و خواهران را می خواهم که هم در علم کوشا باشید، و هم در عمل و هم در تهذیب اخلاق.» (همان، ۱۸ / ۴۰۴).

### راه های حفظ زن ایرانی در روند انقلاب

در صحبت های رهبر انقلاب جناب آقای آیت الله خامنه ای در این رابطه بیان شده است که :

الان برای نگه داشتن زن ایرانی در همان روندی که انقلاب او را در آن روند انداخته بود و حفظ آن حالت جدیدی که با آن استحاله ی عظیم انقلابی برایش به وجود آورده بود، احتیاج داریم به چند چیز :

اولا : به ادامه ی استدلال، یعنی آن استدلال صحیح و متینی که نشان می دهد جایگاه زن چیست؟

ثانیاً : به ادامه و حفظ حالت انقلابی در او،

ثالثاً: به جلوگیری از نفوذ آن چیزی که بیشترین تکیه گاه فرهنگ طاغوتی بود که آن غریزه را تحریک می کرد؛ باید از نفوذ اینها هم جلوگیری کنیم ؛ یعنی عکس ها ، فیلمها ، که وسایل و ابزار پوشش و آرایش و نشست و برخاست ها و از این قبیل چیزها.

اینها چیزهایی است که اگر در یک جامعه ای وجود داشته باشد، بطور طبیعی با زمینه ی غریزه ای که در هر انسانی هست به همان فرهنگ منتهی خواهد شد. آنهایی که نشستند طراحی کردند، خوب طراحی کردند. آن کسانی که برای زن، زن دنیا - نه زن یک کشور خاص - این فکر را کردند، خوب فکر کردند، درست فکر کردند. با توجه به جنبه های غریزی و خصوصیتی که در مورد مرد و زن وجود دارد این فرهنگی که، این وسایل و ابزاری که اینها در اختیار جوامع گذاشتند و در اختیار ملتها گذاشتند، اینها منتهای به همان سرانجامی خواهد شد که فرهنگ طاغوتی برای زن می خواهد. حالا چرا می خواهد دلیلش چیست؟ آنها بحث های اجتماعی است و جای دیگری باید بحث بشود، که اصلاً به چه دلیل هست که زن را می خواهند به انحطاط بکشانند، با زن چه دشمنی دارند؟ اینها یک بحث دیگری است، به جای خودش می تواند مورد توجه قرار بگیرد (بانکی پور فرد، بی تا: ۶۴-۱۶۵).

### سیره ی عملی زنان در دفاع مقدس

#### تصویری از دفاع مقدس

با وقوع جنگ تحمیلی و پس از سال های هشتگانه دفاع، برای نامیدن فرهنگ، هنر، ادبیات و دیگر مقوله های این رخداد، هر کس نام و عنوان و اصطلاحی به کار می برد. برخی از عنوان "جنگ" برخی "دفاع مقدس" و برخی "مقاومت"، استفاده کردند. در نتیجه در حوزه ادبیات، اصطلاحاتی چون "ادبیات جنگ"، "ادبیات پایداری"، "ادبیات مقاومت" و "ادبیات دفاع مقدس" به کار گرفته شد.

برای روشن شدن عنوان های پیش گفته توضیح علمی هر یک از این اصطلاحات لازم است:

۱. ادبیات جنگ: این اصطلاح دامنه ای بسیار گسترده و فراگیر دارد و هر آنچه را که در جنگ تولید می شود و وجه ادبی دارد شامل می شود؛ بنا بر این اجزای زیر را خواهد داشت:

جبهه دشمن: آثار ادبی که در جبهه دشمن تولید می شود نیز جزو ادبیات جنگ خواهد بود، چرا که دشمن نیز در جنگ است و جنگ، دو طرف رویاروی را شامل می شود. منظور از "در جنگ" جغرافیا، تاریخ و موقعیت و همه پیوستارهای جنگ است.

جبهه خودی: همه آثار ادبی تولید شده در جبهه خودی نیز جزو ادبیات جنگ است.

مخالفان با جنگ: در هر دو سوی جنگ، مخالفان جنگ - درست یا نادرست- هر اثر ادبی تولید کنند، جزو ادبیات جنگ است. در ادبیات جنگ، چون معیار خود جنگ است نه معیارهای دیگر، هر دو جبهه مساوی در نظر گرفته می شود. در تاریخ اسلام، معاویه با تغییر تعبیرها و یکسان دانستن کشته های هر دو طرف و گرفتن چهره انسانی به خود، صلح را بر امام حسن(ع) تحمیل کرد. پیش تر در "صفین" از همین حربه تبلیغی و عاطفی بهره گرفت. (سنگری، ۱۳۹۰).

۲. ادبیات پایداری: ادبیات پایداری، حوزه ای بسیار گسترده تر از ادبیات جنگ دارد. گاه چنان حوزه آن وسیع است که پایداری انسان در برابر همه عناصر زیر را شامل می شود: طبیعت و مظاهر آن؛ حکومت های بیگانه و غاصب؛ اندیشه ها و باورها؛ خود(خواسته ها، آرزوها، کشش ها و کشمکش ها). اگر ادبیات پایداری را محدود و منحصر به ادبیاتی بدانیم که محصول ستیز با بیگانه و توصیف رویداد تاریخی این ستیز و پیامدهای آن و مشارکت و همراهی یک نسل یا چند نسل در مقابل بیگانه و مهاجم باشد، طبیعی است در چنین ادبیاتی هم کشتن دشمن ارزش است هم کشته شدن خود، هم ویرانی و تحمل مشکلات آوارگی ارزش است و هم ویران کردن؛ چرا که دفاع از خود، محور حق است و دشمن، محور ظلم و تجاوز.

۳. ادبیات مقاومت: واژه "مقاومت" و "ادب مقاومت"، برگرفته از ادبیات و فرهنگ عرب است و عنوان "ادب المقاومة" در دهه شصت شمسی در ایران کاربرد یافت و معادل فارسی آن "ادبیات پایداری" نیز به کار رفت. این عنوان نخستین بار در جریان مبارزات ضد استعماری مردم مغرب عربی، خصوصاً الجزایر رایج شد. مفهوم پایداری، هر چند در آغاز معنایی کاملاً نزدیک و حتی مساوی با مقاومت داشت اما به تدریج مرزها و فاصله هایی با آن یافت. همچنان که دفاع و پایداری نیز معنای کاملاً مساوی ندارند. هر نوع دفاعی پایداری و هر نوع پایداری، دفاع نیست، یعنی به تعبیر اهل منطق عموم و خصوص من وجه است. پایداری بر یک امر، گاه غیر از دفاع از یک امر است؛ اما در قلمرو دفاع از امور، بسیار اوقات پایداری دیده می شود و در پایداری ها عمدتاً نوعی دفاع و جانبداری (همان).

۴. ادبیات دفاع مقدس: در تاریخ همه ملت ها، اقوام و جامعه های بشری، رویارویی، ستیز و پدیده ای به نام "جنگ" همراه بوده و خواهد بود. در این جنگ ها و ستیزهاست که واژگانی چون "مهاجم، مدافع، هجوم، دفاع، مظلوم، ظالم، کشته یا شهید، ویرانی، انتقام، آواره یا مهاجر" چهره نشان می دهند. انگیزه و نوع جنگ ها نیز متفاوت است؛ کشورگشایی، انتقام گیری، اعتقادات و باورهای مذهبی، ملی، انگیزه های جنسی، نژادی، اقتصادی، نفسانی و شخصی، همه و همه می توانند شعله جنگ را برافروزند و حادثه ها و فاجعه ها را رقم بزنند. تردیدی نیست که در برخی جنگ ها، یک طرف مهاجم و تجاوزکار است و طرف دیگر مدافع و مقاومت کننده و پایداری ورز در مقابل طرف دیگر با پذیرفتن تقسیم بندی بالا، دو نوع ادبیات و فرهنگ نیز متصور است. قطعاً مهاجم و تجاوزگر "ادبیات و فرهنگ" خویش را دارد و مدافع و مقاوم، فرهنگ و ادبیات دیگری. آبشخور هر کدام نیز باور و فرهنگی است که بر مبنای آن جنگ یا دفاع اتفاق می افتد (همان).

### وجوب دفاع از اسلام و مملکت اسلامی بر زنان

دوران هشت ساله دفاع مقدس، خاطرات، عملکردها و اقدامات بسیار درخشانی از حضور پر حماسه بانوان و شیر زنان ایرانی در خود به یادگار گذاشته است. این خدمات در واقع در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، هنری، سیاسی و حتی نظامی همراه و همگام با مردان حماسه آفرین در زمان جنگ، امری پیش پا افتاده نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشته و آن را نادیده انگاشت.

در این رابطه به چند سخن از رهبر فقید انقلاب اسلامی آیت الله خمینی (ره) اشاره می شود:

#### الف) دفاع از ملت و کشورهای اسلامی

خواهران و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید؛ و بی پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی آمریکا و صهیونیسم بین المللی و ابرقدرتهای شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه ای، از ملتها و کشورهای اسلامی دفاع کنید؛ و مطالب دشمنان اسلام را بر ملا کنید (خمینی، ۱۳۸۹: ۵۹/۱۰؛ موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، بی تا: ۱۵۹).

**(ب) همه باید دفاع کنند:**

اگر یکوقت خدای نخواست، یک هجومی به مملکت اسلامی بشود، باید همه مردم یعنی مرد و زن مسأله دفاع دیگر اینطور نیست که تکلیف مال مرد باشد، تکلیف مال یک دسته ای باشد، همه باید بروند و دفاع بکنند از مملکت خودشان (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱/۴۲۵؛ موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، بی تا: ۱۶۰).

**(ج) دفاع از کشور :**

من از برادران و خواهران کردستانی می خواهم که برادرانه با سایر برادران مسلمان خود و در کنار هم از کشور خود دفاع کنید (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۲/۲۲۱؛ موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، بی تا: ۱۶۰).

**(د) وجوب دفاع بر همه :**

ما الان که با قدرتهای بزرگ دنیا مواجه هستیم ، حال دفاعی داریم. یعنی ما مدافع از آن چیزهایی که نهضت ما، قیام ما برای ما هدیه آورده است، و از اهداف اسلامی و از کشور اسلامی خودمان و از تمام چیزهایی که مربوط به اسلام و مربوط به کشور است در حال دفاع هستیم ، و در حال دفاع ، بسیج باید عمومی باشد. یعنی قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع قضیه دیگر . قضیه جهاد یک شرایطی دارد . برای اشخاص خاصی هست. برای گروه معینی هست با شرایطی. لکن قضیه دفاع، عمومی است . مرد، زن ، بزرگ ، کوچک ، پیر ، جوان همان طوری که عقل انسان هم آن حکم می کند که اگر کسی هجوم آورد برای منزل یک کسی ، اهالی آن منزل، هر یک که هست دفاع می کنند از خودشان. چنانچه هجوم آورد کسی به شهر یک کسی، اهالی شهر برای حفظ جهات خودشان دفاع میکنند. دیگر اینجا هیچ شرطی نیست. همه دفاع باید بکنند. و اگر به کشور ما ، کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، همه افراد مملکت ، بر همه افراد کشور ، چه زن، چه مرد، کوچک ، بزرگ اینجا دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند و لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد. حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد، باید دفاع بکنند. حتی یک پیرمردی هم که خیلی کار از او نمی آید باید شرکت کند در دفاع. آنقدر که می تواند دفاع کند (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۲/۲۳۹-۲۴۰؛ موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، بی تا: ۱۶۰).

**امکان حضور زنان در جهاد تدافعی**

ارتش از لحاظ سازمانی با سازمانهای دیگر تفاوتی ندارد. اگر در سازمان های دیگر می گویند زن می تواند نقشی داشته باشد - که میتواند البته - در ارتش هم می تواند . مسأله ی جهادمطرح است در فقه ما ، که جهاد از زنان برداشته است، جهاد ابتدایی؛ اما نوعی از جهاد هست ؛ جهاد تدافعی مثلاً؛ « وقتی که مرکز اسلام در خطر حمله و هجوم دشمن باشد، که آنجا مرد و زن و پیر و جوان و سالم و بیمار تفاوتی نمی کنند و وارد می شوند ؛ اما این مال آن ارتشی است که میخواهد بجنگد، یعنی آن حالت جنگاوری است ، اما آن سازمانی که اداره و تشکیلاتی دارد البته کارمند زن هم در صورت لزوم می تواند داشته باشد، اشکالی ندارد (بانکی پور فرد، بی تا: ۶۱).

**بسیج خواهران؛ منشأ آثار بسیار مهم در جبهه و پشت جبهه**

بسیج خواهران علیرغم ناشناخته بودن، منشأ آثاری شده که این آثار برای ما، برای حرکت ما ، هم در جبهه هم در پشت جبهه بسیار مهم بوده. بسیج برای خواهران یک چیز عملی و جایز هست و باید ادامه پیدا بکند. بسیج خواهران بخش نظامی دارد؛ یعنی همه ی افراد مسلمان اگر بتوانند آموزشهای نظامی در یک محیط سالم کسب کنند بسیار خوب، گاهی لازم هست که بکنند این کار را، کسب بکنند، خواهران هم همینطور. البته مراقب باشند در محیط سالمی این کار انجام بگیرد ؛ باشکلهای نامناسب و ناسالم انجام نگیرد. با معلمین شایسته انجام بگیرد و معلمینی که از خود خواهران باشند. خوشبختانه امروز داریم ما خواهرانی را که از آزمایشهای نظامی را خیلی خوب انجام دادند و می توانند آموزش بدهند.

ثانیا بسیج خواهران هم فقط مخصوص مسائل نظامی نیست، در همه ی امری که در پشت جبهه به نحوی از انحاء مورد استفاده است ، می تواند جزو بسیج قرار بگیرد، و واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بسیج را زیر پوشش دارند باید به این نکته توجه کنند. در اجتماعات عظیم زنان - که امروز نماز جمعه و اجتماعات و راهپیماییها و مساجد و مجالس را پر کرده - اگر ما از خواهران عناصر بسیج نداشته باشیم بسیاری از کارها لنگ خواهد ماند. علاوه بر این، در بقیه ی کارهای مربوط به

بسیج عمومی و از جمله در همین کار پرستاری که امروز خوشبختانه خواهران پرستار و خواهران بسیج کنار هم نشستید اینجا، این یکی از مصداقهای مهم بسیج نیروهاست. آن کسانی که آمادگیدارند در خدمت این کار قرار بگیرند، کما اینکه می گیرند هم؛ خانمهایی آمادگی دارند و در خدمت این کار قرار می گیرند و نیز در خدمت بسیاری از حواشی و جوانب کار در امر بسیج عظیم نیروها (بانکی پور فرد، بی تا: ۱۹۸).

### حماسه آفرینی زنان در معرکه جنگ و نقش آنان در خط مقدم

اصلی ترین حماسه ها و عملکرد درخشان بانوان ایرانی در خط مقدم جنگ، تنها به امداد و کمک رسانی به موقع آنها به مجروحین و زخمی های جنگ و نیز خدمات رسانی به موقع در امور تغذیه و تهیه کردن و فراهم ساختن خوراک و پوشاک برای رزمندگان خلاصه نمی شود؛ بلکه مهم تر از همه، شجاعت هایی بوده است که برخی از بانوان ایرانی در خط اول جنگ و بخصوص در ابتدای شروع جنگ تحمیلی و درست در زمانی که خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران، از چندین نقطه مرزی مورد تجاوز قرار گرفته بود، به نمایش گذاردند، به طوری که می توان به جرأت گفت اگر اقدامات، تشویق ها، حمایت ها و شرکت مؤثر و مستقیم بانوان ایرانی در استان ها و شهرها و بخصوص آبادی های مرزی کشورمان در ابتدای جنگ، علیه دشمنان نظام و در مقابله با عناصر فریب خورده داخلی نبود، چه بسا دشمنان در همان ابتدای جنگ تحمیلی، به اهداف و اغراض شوم خود — یعنی تصرف و اشغال سریع تر مناطق مرزی کشور — توفیق می یافتند؛ اما این روحیه شهادت طلبی و بی باکی بانوان غیور ایرانی در داخل شهرها و آبادی های خالی از مردان (بیشتر مردها در این زمان در خط مقدم جبهه به دفاع و مقابله با دشمن مشغول بودند)، و تشویق ها و روحیه بخشی آنها به مردان و فرزندان جنگجوی خود، مبنی بر ماندن در شهر و مقاومت ورزیدن و دفاع کردن از خاک و سرزمین خود، در همان ابتدا دشمن را با دژی مستحکم مواجه ساخت که هرگز تصور آن را نکرده بود.

به نظر می رسد دشمن قبل از هجوم به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران، در این خیال خام بود که پس از هجوم همه جانبه اش به مرزها، شهرها و آبادی های ایران و با جنگ روانی و انداختن رعب و وحشت در دل ساکنان آن — بخصوص بانوان و کودکان این مناطق — در واقع آنها را وادار خواهد ساخت که از شوهران مبارز خود بخواهند که با ترک کردن جبهه جنگ و دفاع، خانواده خویش را به شهرهای امن برسانند و بدین وسیله، هم جلوی مقاومت شوهران و فرزندان خود را در برابر دشمن بگیرند و هم خود بانوان با ترک گفتن منطقه و خالی نمودن شهرها، از یک طرف باعث تضعیف روحیه عناصر خط مقدم گردیده و از طرف دیگر از حجم نیروهای مؤثر جبهه مقاومت بکاهند و بعلاوه با ترک کردن منطقه، موقعیت پشت جبهه را خالی کرده و این فرصت را به دشمن می دادند که با دور زدن سپاه مقاومت کننده و سپس داخل شدن به شهر بی دفاع و خالی از سکنه، با سرعت هرچه تمام تر، مناطقی از ایران را به اشغال و تصرف خود درآورند و مقاومت افراد خط مقدم را فرو شکسته و تعداد بسیاری از مدافعین را به اسارت خود درآورند.

اما این خیال مذبوحانه دشمن بعثی، با جانفشانی و شجاعت شیرزنان ایرانی و روحیه بالای آنها، در مقاومت کردن و تشویق بی امان همسران و فرزندان خود به مقاومت و عدم ترک صحنه و باقی ماندن در منطقه — علیرغم وحشت و ناامنی — و درست در زمانی که شهر، آماج حملات زمینی و هوایی آنها قرار داشت، در همان ابتدا نقشه های آنان را نقش بر آب کرده و فرصت آماده شدن، بسیج مردمی و انسجام را به نیروهای نظامی و دفاعی کشور داد. بطوری که در پرتو چنین حرکت شجاعانه آنها، دشمن نه تنها به اشغال سریع مناطق مرزی کشور ما توفیق نیافت، بلکه پس از اندک زمانی زد و خورد با ساکنان محلی — که علیرغم فشارها و وحشت های فراوان — حاضر به تخلیه منطقه خود نشده بودند و همچنین مقاومت ها و هجوم های رزمندگان اسلام، از خاک ایران عقب نشستند.

بنابراین اگر گفته شود که یکی از اصلی ترین عوامل زمین گیر شدن ارتش بعث عراق در استان های مرزی کشورمان، در پرتو عملکردها و اقدامات مؤثر بانوان ایرانی مستقر در آبادی ها و شهرهای مرز نشین و حدت ذهن و جانفشانی آنها بدست آمده است، سخنی به گزاف گفته نشده است (اسلامی، ۱۳۸۷).

## نتیجه گیری

چون موضوع بحث ما نقش زن ایرانی در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده است. پس از بررسی های انجام شده در کتاب های مختلف و مقالات متعدد می توان گفت که زن ایرانی با الهام از زنان در صدر اسلام و الگوگیری از آنان در تمامی جریانات منتهی به تشکیل انقلاب اسلامی نقش داشته است. مثلاً حضور در مناسبت های مختلف و پخش اعلامیه و همراهی مردان در این جریانات.

در جریان جنگ هشت ساله نیز بر اساس فرمایشات امام و رهبری معظم در تمام صحنه ها حضور زن پر رنگ بوده است. چون دفاع از مقدسات و مرزهای دینی بر همه افراد طبق آیات الهی و سنت واجب است. اگر جهاد باشد حضور زن الزامی نیست اما در بحث دفاع هر قشری از مردم باید در این جریانات حضور به هم رسانند تا بتوانند از مرزهای دینی و جغرافیایی خود دفاع کنند.

## منابع:

- ۱- قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. اسلامی، فاطمه، زن ایرانی و حماسه دفاع مقدس، سایت راسخون، ۱۳۸۷.
۴. بانکی پور فرد، امیر حسین. بی تا. نقش و رسالت زن در عرصه های حضور اجتماعی، (برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۳۹۱. صحیح البخاری، مترجم عبدالعلی نوراحراری، بی جا، شیخ الاسلام احمد جام.
۶. جوهری، شکیباسادات. ۱۳۸۷. معماران تربیت: (منزلت زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی)، قم، دفتر عقل.
۷. خمینی، روح الله. ۱۳۸۹. صحیفه ی امام(ره)، تهران، مؤسسه ی تنظیم نشر آثار امام خمینی.
۸. دورانت، ویل. ۱۳۹۵. لذات فلسفه، مترجم عباس زریاب خوئی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. سنگری، محمدرضا، دفاع مقدس، نشریه معارف نهاد مقام معظم رهبری، شماره ۸۷، شهریور و مهرماه ۱۳۹۰.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. عباس نژاد، محسن، قرآن. ۱۳۸۴. روانشناسی و علوم تربیتی، مشهد مقدس، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۱۲. مطهری، شهید مرتضی. بی تا. فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم، بی تا.
۱۳. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی(ره)، تهران، عروج
۱۴. نیکخواه قمصری، نرگس، هلالی ستوده، مینا، از سوژه جنسی تا سوژه انقلابی: بازنمایی زن در گفتمان انقلاب اسلامی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، مقاله ۷، دوره ۷، شماره ۳، صفحه ۱۵۰-۱۷۰، پاییز ۱۳۹۲.
۱۵. واعظ زاده خراسانی، محمد. ۱۳۷۸. امام خمینی و انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.

## منابع:

1. Holy Qur'an.
2. Nahj al-Balaghah.
3. Eslami, Fateme, Zanan Irani va Hamaseh Defa'i Mliq (Iranian women and revolutionary spirit), Rasakhon site, 1998. (In Persian)
4. Banikpurfarid, Amir Hussein. n.d. Women's Role and Mission in Social Sectors (Based on speeches by Ayatollah Khamenei, Supreme Leader of the Islamic Revolution). Teheran: Entezar Islami Publications. (In Persian)
5. Bukhari, Muhammad bin Ismail. (2002). Sahih bukhari, Translated by Abdulali Noohari, Unpublished. (In Persian)

6. Jawharis, Shakibatsadat. (1998). Marzbanan-e Tarbiat (Architects of Education: Women's Status from an Islamic and Revolutionary Leaders Perspective). Qom: Eghle Entesharat. (In Persian)
7. Khomeini, Ruhullah. (2000). Nahy-ye Imami: Collected Works, Vol. 19, Institute for Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
8. Durant, Will. (2015) . The Story of Philosophy, Translated by Abbas Zariabkhai, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
9. Sangri, Mohammad Reza. (2010). Defending Sacred Defense, Conducted Affairs of the Leadership, Issue 87, September–October 2010. (In Persian)
10. Tabatabaei, Mohammed Hossein. (1985) Tafsir al-Mizan, translated by Mohammad Baqer Mosavi, قم: Daneshgahi Ensaniyat. (In Persian)
11. Abassnejad, Mohsen, (2005). Psychology and Educational Sciences. Mashhad: Foundation for Quranic Research. (In Persian)
12. Motahari, Martyr Maraj. N.d. Figh wa Hukom (Law and Justice) [Collection of works]. Qom: An anonymous publisher. (In Persian)
13. Institution for Publishing and Propagation of Ayatollah Khomeini's Works.(n.d.) Woman's Place in Ayatollah Khomeini's Thinking, Tehran: Erudite. (In Persian)
14. Nikkhoui Qamsari, Naghsh; & Steudeh, Mina. (2013). From Sexual Subject to Revolutionary Subject: Portraying Woman in Discourses of Islamic Revolution, *Journal of Iranian Social Studies*, 7(3): 150-170., (In Persian)
15. Vaezzadeh Khorasanani, Mohammadreza. (1998). Ayatollah Khomeini and Islamic Revolution: A Collection of Articles. Mashhad. Astan Ghods Razawi Research Foundation. (In Persian)